

١١٣٤١٧



دانشگاه تربیت معلم
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
رساله جهت اخذ درجه دکتری
رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

موضوع

بررسی مقایسه ای میان دیدگاه محمد غزالی و نل نادینگز در باب نقش و پیامدهای
فراتر رفتن از خود در تربیت اخلاقی

استاد راهنما:

دکتر صمد موحد

اساتید مشاور:

دکتر خسرو باقری

دکتر علی شریعتمداری

۱۳۸۸ / ۳ / ۱۰

کتابخانه اساتید دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی
شعبه روانشناسی

دانشجو:

احمد سلحشوری

آذر ماه ۱۳۸۷

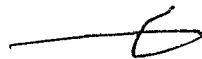
۱۱۳۴۱۷

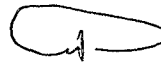
بسمه تعالی

دانشگاه تربیت معلم تهران
دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی

این رساله تحت عنوان « بررسی مقایسه ای میان دیدگاه محمد غزالی و نل نادینگز در باب نقش و پیامدهای فراتر رفتن از خود در تربیت اخلاقی » به منظور اخذ درجه دکتری در رشته فلسفه تعلیم و تربیت توسط احمد سلحشوری تهیه و تدوین شده است و در تاریخ ۸۷/۹/۱۳ در حضور هیات داوران پس از دفاع با نمره ۱۸ و درجه عالی مورد قبول قرار گرفت.

هیات داوران:

 استاد راهنما: دکتر صمد موحد

 استاد مشاور: دکتر علی شریعتمداری
استاد مشاور: دکتر خسرو باقری

استاد داور: دکتر یحیی قایدی

استاد داور: دکتر شرفی

استاد داور: دکتر محسن ایمانی

مدیر گروه و نماینده تحصیلات تکمیلی





چکیده :

این تحقیق به بررسی مفهوم «فراتر رفتن از خود» در تربیت اخلاقی و پیامدهای آن از حیث اهداف، اصول و روشها از دیدگاه محمد غزالی و نل نادینگز می پردازد. مفهوم فراتر رفتن از خود با توجه به روش توصیفی - تحلیلی مورد بررسی قرار گرفت که طبق دیدگاه غزالی مفهوم فراتر رفتن از خود، حرکت از خود حیوانی به سمت خود ملکوتی و از بین بردن فاصله بین این دو خود است و مفهوم فراتر رفتن از خود در دیدگاه نادینگز در غمخواری بیان شده، نادینگز با توجه به سه مفهوم «مجدوبیت»، «جابجایی انگیزشی» و «ارتباط متقابل» به توضیح فراتر رفتن از خود پرداخته و فراتر رفتن از خود را حرکتی از خود حیوانی به سمت خود ارتباطی می داند.

با توجه به مفهوم فراتر رفتن از خود در تربیت اخلاقی در دیدگاه غزالی و نادینگز اهداف، اصول و روشهای تربیت اخلاقی متفاوتند. هدف غایی تربیت اخلاقی در دیدگاه غزالی با توجه به خود ملکوتی است و آن مشاهده جمال حق تعالی است و طبق دیدگاه نادینگز هدف غایی تربیت اخلاقی، پرورش ایده آل اخلاقی است. اصول تربیت اخلاقی طبق دیدگاه غزالی اصل عزت، تناسب درمان با شرایط، تدریجی بودن، رابطه ظاهر و باطن و پیرایش محیط است و اصول تربیت اخلاقی در دیدگاه نادینگز محور قراردادن نیازها و علائق دیگران، همدرد بودن و عاطفه است. روشهای تربیت اخلاقی در دیدگاه غزالی با توجه به «مهلکات» و «منجیات» متفاوت است و نادینگز بر الگو دهی، گفتگو، تأیید و عمل تأکید می کند.

واژه های کلیدی: فراتر رفتن از خود، اهداف، اصول، روش، تربیت اخلاقی، امام محمد غزالی، نل نادینگز

کلیه حقوق اعم از چاپ و تکثیر، نسخه برداری،
ترجمه، اقتباس و ... از این پایان نامه برای
دانشگاه تربیت معلم تهران محفوظ است. نقل
مطالب با ذکر منبع بلامانع است.

فصل اول: کلیات

- ۱-۱- مقدمه ۲
- ۲-۱- بیان مساله ۲-۵
- ۳-۱- هدف کلی این تحقیق : ۵
- اهداف جزئی این تحقیق:..... ۵
- ۴-۱-سوالات این تحقیق :..... ۶
- ۵-۱- ضرورت و اهمیت تحقیق..... ۶-۸
- ۶-۱- استفاده کنندگان از نتیجه پایان نامه ۸
- ۷-۱- روش انجام پژوهش و ابزار جمع آوری اطلاعات..... ۸-۹
- ۸-۱-واژگان اصلی..... ۹-۱۰
- ۹-۱- نگاهی به زندگی غزالی و نادینگز ۱۱-۱۲

فصل دوم: ادبیات و پیشینه تحقیق

- ۱-۲-مقدمه:..... ۱۴
- بخش اول: قسمت اول از دیدگاه عام غزالی : ۱۴
- ۲-۲- فلسفه غزالی..... ۱۴-۱۶
- ۳-۲- جهان شناسی ۱۶-۱۷
- ۴-۲- معرفت شناسی ۱۷-۲۲

بخش اول: قسمت دوم دیدگاه (خاص) غزالی

- ۵-۲- انسان شناسی ۲۳
- ۲-۵-۱-آفرینش انسان:..... ۲۳-۲۴
- ۲-۵-۲- مراحل آفرینش انسان : ۲۴-۲۵

- ۲-۵-۳- چپستی انسان : ۲۵
- ۲-۶-۶- نفس از دیدگاه غزالی : ۲۵
- ۲-۶-۱- تعریف نفس از دیدگاه غزالی : ۲۵-۲۸
- ۲-۷-۷- اثبات وجود نفس : ۲۸-۳۰
- ۲-۸-۸- قوای نفس از دیدگاه غزالی : ۳۱
- ۲-۸-۱- نفس نباتی : ۳۱
- ۲-۸-۲- نفس حیوانی : ۳۱-۳۳
- ۲-۸-۱-۲- قوای مُدرکه ظاهری : ۳۳-۳۴
- ۲-۸-۲-۲- قوای مدرکه باطنی : ۳۴
- ۲-۸-۳- قوای نفس انسانی ۳۵-۳۷
- ۲-۹-۹- حدوث نفس : ۳۷
- ۲-۱۰-۱۰- ارتباط نفس و بدن : ۳۸
- ۲-۱۰-۱- پیوند ساختاری : ۳۸-۳۹
- ۲-۱۰-۲- پیوند ابزاری : ۳۹-۴۰
- ۲-۱۱-۱۱- جاودانگی نفس ۴۰-۴۲
- ۲-۱۲-۱۲- وحدت نفس : ۴۲-۴۵
- ۲-۱۳-۱۳- اهمیت خودشناسی از دیدگاه غزالی : ۴۵-۴۷
- ۲-۱۴-۱۴- جایگاه اخلاق در طبقه بندی علوم از دیدگاه غزالی ۴۷
- ۲-۱۵-۱۵- رویکردهای مختلف غزالی به اخلاق : ۴۹
- ۲-۱۵-۱- رویکرد فلسفی ۴۹-۵۲
- ۲-۱۵-۲- رویکرد دینی ۵۲-۵۳

- ۵۳-۵۵.....۳-۱۵-۲ رویکرد عرفانی
- ۵۵-۵۷۱۶-۲- اخلاق از دیدگاه غزالی:
- ۵۷-۵۹۱۷-۲- تغییر پذیری اخلاق :
- ۵۹-۶۱.....۱۸-۲- انواع خود از دیدگاه غزالی :
- ۶۱-۶۲.....۱۹-۲- مراتب خود :

بخش دوم : مبانی فلسفی دیدگاه نادینگز:

- ۶۳مقدمه :
- ۶۳۲۰-۲- غمخواری در اندیشه های قدیم :
- ۶۳.....۲۱-۲- غمخواری در اندیشه های جدید:
- ۶۴.....۲- ۲۱-۱- عاطفه گرایی :
- ۶۴-۶۵۲- ۲۱-۱- شافتسبری: (۱۶۷۱-۱۷۱۳)
- ۶۵-۶۶.....۲- ۲۱-۱- ۲- هاجسون:
- ۶۶-۶۷۲- ۲۱-۱- ۳- دیوید هیوم (۱۷۱۱-۱۷۷۶) :
- ۶۸.....۲- ۲۱-۱- ۴- آدام اسمیت (۱۷۲۳-۱۷۹۰)
- ۶۸-۶۹.....۲- ۲۱-۱- ۵- روسو (۱۷۷۸-۱۷۱۲):
- ۶۹-۷۰.....۲- ۲۱-۱- ۶- آگوست کنت (۱۷۹۸-۱۸۵۷) :
- ۷۰-۷۲۲- ۲۱-۱- ۷- آرتور شوپنهاور (۱۷۸۸-۱۸۶۰):
- ۷۲۲- ۲۱-۲ مبانی هستی گرا:
- ۷۳-۷۴.....۲- ۲۱-۱- ۱- مارتین بوبر:
- ۷۴-۷۷.....۲- ۲۱-۲- ۲- مارتین هایدگر (۱۸۸۹-۱۹۷۶) :
- ۷۷-۷۸.....۲- ۲۱-۳- پدیدارشناسی:
- ۷۸-۷۹۲- ۲۱-۴- فمینیسم :
- ۸۰-۸۱.....۲- ۲۱-۴-۱- کارول گیلیگان

- ۲-۲۲- انواع خود از دیدگاه روانشناسی : ۸۱-۸۳
- ۲-۲۳- انواع خود از دیدگاه نادینگز : ۸۳
- ۲-۲۳-۱- خود طبیعی یا غمخواری طبیعی : ۸۴-۸۵
- ۲-۲۳-۲- خود اخلاقی : ۸۵-۹۰

فصل سوم : یافته های تحقیق:

بررسی مفهوم «فراتر رفتن از خود» در دیدگاه غزالی و نادینگز و پیامد های آن برای تربیت اخلاقی

- ۳-۱- مقدمه : ۹۲
- ۳-۲- فراتر رفتن از خود با توجه به دیدگاه غزالی: ۹۲-۹۷
- ۳-۳- تشخیص بیماری خود ملکوتی و خود حیوانی : ۹۷-۹۹
- ۳-۴- ویژگیهای خود ۹۹
- ۳-۵- نشانه های بیماری خود ملکوتی: ۹۹-۱۰۰
- ۳-۶- تربیت اخلاقی از دیدگاه غزالی با توجه به فراتر رفتن از خود: ۱۰۰
- ۳-۶-۱- وحدت ۱۰۰
- ۳-۶-۲- باطن گراست ۱۰۰-۱۰۱
- ۳-۶-۳- شهود : ۱۰۳-۱۰۴
- ۳-۶-۳-۱: ویژگیهای شهود از دیدگاه غزالی ۱۰۴
- ۳-۶-۴- تلاش و کوشش ۱۰۴-۱۰۵
- ۳-۶-۵- فنا ۱۰۵-۱۰۶
- ۳-۷- اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه غزالی با توجه به فراتر رفتن از خود : ۱۰۷
- ۳-۷-۱- هدف غایی تربیت اخلاقی با توجه به فراتر رفتن از خود ۱۰۷-۱۰۸
- ۳-۷-۲- اهداف میانی : ۱۰۸

- ۳-۸ : تربیت اخلاقی : ۱۰۸-۱۰۹
- ۳-۹ - اصول تربیت اخلاقی از دیدگاه غزالی با توجه به خود ملکوتی ۱۰۹
- ۳-۹-۱- اصل عزت ۱۰۹-۱۱۰
- ۳-۹-۲ - اصل تناسب درمان با شرایط فرد ۱۱۰-۱۱۱
- ۳-۹-۳- اصل تدریجی بودن تربیت اخلاقی ۱۱۱-۱۱۶
- ۳-۹-۴- اصل رابطه ظاهر و باطن ۱۱۶
- ۳-۹-۵- اصل پیرایش محیط (اصلاح شرایط) : ۱۱۶-۱۱۷
- ۳-۱۰- نقش معلم در تربیت اخلاقی ۱۱۷-۱۱۹
- ۳-۱۱- وظایف دانش آموزان ۱۱۹-۱۲۰

«فراتر رفتن از خود» در تربیت اخلاقی از دیدگاه نادینگز

- ۳-۱۲- اخلاق غمخواری: ۱۲۲-۱۲۴
- ۳-۱۳- ویژگیهای اخلاق غمخواری ۱۲۴
- ۳-۱۳-۱- عدم گرایش به اصول : ۱۲۴-۱۲۶
- ۳-۱۳-۲- توجه به موضوع عمل اخلاقی: ۱۲۶
- ۳-۱۳-۳- مخالفت با تفکیک میان «هست» و «باید»: ۱۲۶-۱۲۷
- ۳-۱۴- فراتر رفتن از خود در دیدگاه نادینگز: ۱۲۷-۱۳۴
- ۳-۱۵- تربیت اخلاقی از دیدگاه نادینگز ۱۳۵-۱۳۶
- ۳-۱۶- اهداف تربیت اخلاقی از دیدگاه نادینگز ۱۳۶
- ۳-۱۷- اصول تربیت اخلاقی با توجه به مفهوم فراتر رفتن از خود در دیدگاه نادینگز ۱۳۷
- ۳-۱۷-۱- محور قرار دادن نیازها و علایق ۱۳۷
- ۳-۱۷-۲- محور قرار دادن همدیگر : ۱۳۷-۱۳۸
- ۳-۱۷-۳- محور قرار دادن عاطفه ۱۳۸-۱۳۹

۱۳۹	۳-۱۷-۴-همدرد بودن با دیگران.....
۱۳۹-۱۴۰	۳-۱۸-معلم
۱۴۰	۳-۱۹-عناصر اساسی تربیت اخلاقی از دیدگاه نادینگز:
۱۴۱-۱۴۲	۳-۱۹-۱-الگو دهی
۱۴۲-۱۴۳	۳-۱۹-۲-گفتگو
۱۴۳	۳-۱۹-۳-عمل
۱۴۳-۱۴۴	۳-۱۹-۴-تأیید

فصل چهارم

نتیجه گیری و پیشنهادات

۱۴۶	۴-۱-مقدمه:
۱۴۶-۱۴۸	۴-۲-انتقاداتی به دیدگاه نادینگز:
۱۴۸-۱۵۰	۴-۳-انتقاداتی به دیدگاه غزالی
۱۵۰	۴-۴-بررسی سوالات این تحقیق
۱۵۰-۱۵۱	۴-۴-۱-سوال اول: فراتر رفتن از خود در دیدگاه غزالی
۱۵۱-۱۵۳	۴-۴-۲-سوال دوم: مفهوم فراتر رفتن از خود در دیدگاه نادینگز
۱۵۳-۱۵۵	۴-۴-۳-سوال سوم: شباهت مفهوم فراتر رفتن از خود در دیدگاه غزالی و نادینگز
۱۵۳-۱۵۵	۴-۴-۴-سوال چهارم: تفاوت مفهوم فراتر رفتن از خود در دیدگاه غزالی و نادینگز
۱۵۵	۴-۴-۴-۱-از حیث موضوع
۱۵۵-۱۵۶	۴-۴-۴-۲-از حیث هدف و غایت
۱۵۶-۱۵۷	۴-۴-۴-۳-از حیث انگیزه و نیت
۱۵۷-۱۵۸	۴-۴-۴-۴-از حیث منشا
۱۵۸-۱۵۹	۴-۴-۴-۵-از حیث عشق و محبت
۱۵۹	۴-۴-۴-۶-از حیث ارتباط
۱۵۹-۱۶۰	

۴-۴-۵- سوال پنجم :

آیا می توان این دو دیدگاه اخلاقی را به نحوی مکمل یکدیگر در نظر گرفت؟ این رابطه تکمیلی چگونه باید برقرار شود و حاصل ترکیب، نسبت به دو دیدگاه در حالت مجزا، چه دگرگونی هایی را در تربیت اخلاقی از حیث اهداف، اصول و روشها موجب می شود؟.....۱۶۱-۱۶۳

۴-۵- پیشنهادات..... ۱۶۴

۴-۵-۱- پیشنهادات پژوهشی..... ۱۶۴

۴-۵-۲- پیشنهادات تربیتی..... ۱۶۳-۱۶۵

منابع..... ۱۶۶-۱۷۲

فصل اول:

کلیات

۱-۱- مقدمه

اگر تربیت را «هدایت فرد در ابعاد مختلف انسان مانند بعد اخلاقی، اجتماعی، فردی و عقلانی» (شریعتمداری، ۱۳۶۶، ص ۴۳) بدانیم پس تربیت اخلاقی یک جنبه اساسی از تربیت است که به تحقق بعد عاطفی و معنوی کمک می کند. نگاه ابزاری به انسان، باعث شده که ابعاد روحی و معنوی انسان و ارتباط بی واسطه او با طبیعت و خدا به شدت با خطر مواجه شود. بنابراین، این پژوهش به بررسی تربیت اخلاقی، که یک ضرورت اساسی در این عصر می باشد، بر مبنای اندیشه های محمد غزالی و نل نادینگزمی پردازد.

۱-۲- بیان مساله

جهان کنونی با پیشرفتهای سرسام آور فنی و صنعتی خود؛ انسان امروزی را در برابر مشکلات بفرنجی قرار داده است و موفقیت‌های پی در پی علمی و فنی این احساس را در انسان امروزی بوجود آورده که بی نیاز از بعد اخلاقی می باشد. (وارنوک، ۱۳۸۰، ص ۱۰۴) با رشد تحقیقات گسترده تجربی و زیست شناسی، انسان، به عنوان یک حیوان تکامل یافته در نظر گرفته شده، این امر باعث شده است که جنبه های معنوی انسان صرفاً در حد فعل و انفعالات جسمانی و تغییرات سلولی در نظر گرفته شود (برزینکا، ۱۳۷۱، ص ۲۰) و از طرف دیگر منطق عصر ماشین و بهره وری خط موتناژ هم به انسان تعمیم داده شده که با انسان، همانند ماشین رفتار شود و این عوامل باعث شده که ابعاد عاطفی و معنوی انسان و ارتباط بی واسطه او با طبیعت و خدا به شدت با خطر مواجه شود.

رشد و پیشرفت علمی، سرو کار دانش آموزان با رایانه و دنیای اینترنت، موجب شده که روابط دانش آموزان با خود، خدا و طبیعت دچار تنش شود؛ چرا که کودک در جلوی رایانه در محیطی مصنوعی، محدود شده و هیچ چیز جز پلاستیک و فلز وجود ندارد و از طریق اینترنت دانش آموزان تنها نمادها، (واژه ها، تصاویر ..) که آن هم کاملاً ذهنی و دست دوم اند، را دریافت می کنند، پس عصر اینترنت باعث شده که روابط انسان با طبیعت، خود و خدا با خطر مواجه شود، چرا که در اینجا اگر هم رابطه ای باشد، کاملاً مصنوعی است. (به نقل از گوگ، ۱۳۸۰، ص ۱۶۲) و دانش آموزان یاد نگرفته اند که چگونه نسبت به معنای وجودی خود و ابعاد روحی و عاطفی، آگاهی کسب کنند.

همچنین، از آنجایی که اخلاق حد و مرزی دارد و باید با توجه به آن حد و مرز، مشخص شود، اما امروزه با توجه به رشد و گسترش اینترنت و در هم شکستن تمام مرزها، دیگر قرنطینه کردن افراد سودی نخواهد داشت، پس تنها راه با توجه به این امر ایجاد توانایی ارزیابی در افراد است تا هم مرز اخلاقی مشخص شود و هم فرد از ارتباط محروم نشود، پس این امر از طریق بعد اخلاقی فرد می تواند تحقق یابد (باقری، ۱۳۸۴، ص ۲۸۴)

یکی دیگر از معضلات عصر ما، سست شدن روابط عاطفی میان خانواده ها است. انسانهای امروزی شکل اجزاء ماشین را به خود گرفته اند و هر کدام از اجزای ماشین، تا اجزای دیگر وظیفه خود را انجام ندهند، وظیفه خود را انجام نخواهند داد. این قانون هم در انسانها و در نظام آموزشی ما حکمفرما شده است. معلم و دانش آموز به صورت دو جزء جداگانه از همدیگر در نظر گرفته شده اند، از سوی معلم، محتوای از قبل مشخص شده، ارایه می شود و دانش آموز هم بدون چون و چرا، باید وظیفه خود را که حفظ مطالب است، انجام بدهد تا آموزش صورت بگیرد. پس در مدارس ما مدیریت تیلوری (ماشینی) حاکم شده است. و هیچ کس نسبت به دیگری احساس مسئولیت نمی کند و هر کس فقط باید متخصص باشد در حالی که اگر فقط به تخصص بها بدهیم، تخصص گرایی باعث می شود که به مقام انسانیت خدشه وارد شود. (نلر، ۱۳۷۷، ص ۹۱) و در جامعه ای که انسانیت تنزل یافته، بعضی ها، افراد دیگر را وسیله ای برای رسیدن به اهدافشان قرار می دهند. پس یکی از دلایل اصلی این امر، تضعیف ابعاد روحی و اخلاقی انسان است.

یکی از پیامدهای تخصص گرایی این است که مقام انسانیت تنزل یافته و این تنزل در تمام موسسات نفوذ کرده و امروزه حتی مدارس ما وسیله ای شده اند که از خود بیگانگی را به همدیگر آموزش می دهند، مثلا معلمان از درون با خود، دانش آموزان و به طور کلی با مدرسه فاصله گرفته اند زیرا نمی توانند به طور عمیق با کل سیستم ارتباط برقرار کنند و دانش آموزان هم با توجه به ملاکهایی که اشیاء را می سنجند، بررسی می شوند؛ زیرا همه چیز طبق تخصص طبقه بندی شده و در این چنین نظامی از مقام انسانیت خبری نیست. بنابراین امروزه مدرسه تبدیل به یک عامل قوی برای از خود بیگانگی شده است. (همان، ص ۹۵) و هنگامی که به انسان، به صورت شی نگاه شود، ارزش انسانیت زیر سوال می رود، پس برای جلوگیری از این امر نیاز است که بر بعد اخلاقی، به عنوان یک امر ضروری، برای تحقق و آگاهی خویشتن، توجه شود.

از طرف دیگر امروزه اگر در مدارس بحث از تربیت اخلاقی می شود، فهرستی از صفات خوب و بد را مطرح می کنند و تربیت اخلاقی را پرورش فضائل و دوری از رذایل می دانند اگر کتابها و مقالاتی که در زمینه تربیت اخلاقی نوشته شده است، بررسی کنیم، می بینیم که اکثر این نوشته ها، تربیت اخلاقی را پرورش فضایل و دوری از رذایل می دانند و تربیت اخلاقی، در این رویکردها^۱ با یک دید پیشگیرانه نگاه می شود.^۲

از آنجایی چنین مشکلاتی اکثرا ناشی از این است که انسان خود را محور همه چیز قرار می دهد و حاضر نمی شود که از خود پا فراتر بگذارد و افراد دیگر را هم ببیند. نیاز است که بر بعد از خود فرا تر رفتن در تربیت اخلاقی تاکید شود. زیرا یکی از ویژگیهای انسان این است که انسان یک موجود استثمار گر است و همه چیز را با دید ابزاری نگاه می کند و همه چیز را برای خود می خواهد که این ویژگی به خاطر «خودطبیعی» یا «خود حیوانی» (غزالی، ۱۳۵۴، ج ۱، ص ۱۵ و ۸۳) است و انسان امروزی به خاطر تأثیرات تکنولوژی، دیگران را کمتر می بیند و از دایره «خود حیوانی»، خارج نمی شود و این امر باعث شده که انسانها بیشتر به سمت خود خواهی بروند، در حالی که «رشد و شکوفایی «خودملکوتی» در این است که انسانها از خود فراتر بروند و «انسان بودن، «با دیگران بودن» و «برای دیگران بودن» است.» (نقیب زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۰۲) یعنی وجود و هستی انسان، در صورتی شکوفا می شود که با دیگران باشد و نیازهای دیگران را در نظر بگیرد. در این صورت است که می تواند از خود فراتر برود. رهایی از خود، محور همه مسایل اخلاقی و کلید دستیابی به ارزشهای والای الهی و انسانی است و افراد تا زمانی که خود را محور قرار می دهند، بصیرت لازم را برای کسب سعادت پیدا نمی کنند. منیت و خود خواهی بشر امروزی، ارتباطات انسانی را تحت الشعاع قرار داده است و کبر و غرور انسان، حیات بشر را به بازی گرفته است.

یکی از مسائل مهمی که تعلیم و تربیت معاصر با آن رو به رو است، مساله تربیت اخلاقی است. از عصر جدید به بعد تحولاتی در این زمینه ایجاد شده که منشا اخلاق را با توجه به این ملاک که انسان محور همه چیز است، قرار می دهند. تربیت اخلاقی در عصر روشنگری صرفا بر پایه عقلانی قرار داشت. (نادینگز^۳، ۱۹۹۵، صص ۱۵۳-۱۵۲) و فلاسفه این

^۱ - approaches

^۲ - برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به کتاب: ماخذ شناسی تربیت اخلاقی « (۱۳۸۲): علی همت بناری، قم: پژوهشکده تعلیم و تربیت

^۳ - Nel Noddings

عصر کوشیدند که تربیت اخلاقی را که دارای ماهیتی تعیین کننده برای غایت حقیقی انسان است، رد کنند. نتیجه این نظریات اخلاقی یا بر «اخلاق سودگرا» یا بر «اخلاق وظیفه گرا» استوار بود. (ورنینگ^۱، ۱۹۹۸، ص ۲۲۷) رویکرد های جدید تر (بخصوص پست مدرن) بیشتر بر جنبه های عاطفی و زبان شناسی و خروج فاعل شناسایی تاکید می کنند. در این رویکردها، بنیانهای ثابت و همگانی اخلاق وجود ندارد. (جانستون^۲، ۱۹۹۹، ص ۹۲) ملاکهای تربیت اخلاقی متناسب با علایق، شرایط متعدد و متنوع ارزیابی می شوند و اخلاق را امری محلی و خاص می دانند. نتایج این رویکردهای اخلاقی باعث شده که انسان امروزه فراموش کند که کیست و بیشتر متکی به نیروهای استدلالی بشود که این نیروها هم، مبتنی بر داده های حسی اند. (نصر، الف، ۱۳۸۳، ص ۲۶) انحطاط علوم انسانی بخصوص تعلیم و تربیت معلول این است که انسان شناخت بی واسطه خود را با خدا از دست داده و به شناخت سطحی روی آورده و این شناخت با ظهور پست مدرن شدت گرفته است. (همان، ص ۲۷) با اینکه پست مدرن بر علیه مدرن شوریده و برای اصلاح آن آمده، اما خودش نشانگر یک سیر نزولی در علوم انسانی و بخصوص اخلاق است.

۱-۳- هدف کلی این تحقیق :

بررسی مقایسه ای میان دیدگاه نل نادینگز و محمد غزالی در باب نقش و پیامد های فراتر رفتن از خود در تربیت اخلاقی از حیث هدف، اصول و روش

اهداف جزئی این تحقیق:

- ۱- بررسی مفهوم « فراتر رفتن از خود» و پیامد های آن از نظر غزالی برای تربیت اخلاقی از حیث هدف، اصول و روشها
- ۲- بررسی مفهوم « فراتر رفتن از خود» و پیامد های آن از نظر نادینگز برای تربیت اخلاقی از حیث هدف، اصول و روشها
- ۳- شباهت بین مفهوم « فراتر رفتن از خود» در دیدگاه غزالی و نادینگز
- ۴- تفاوت بین مفهوم « فراتر رفتن از خود» در دیدگاه غزالی و نادینگز
- ۵- بررسی چگونگی رابطه تکمیلی بین این دو دیدگاه، و دگرگونی هایی که بر اثر ترکیب این دو دیدگاه در تربیت اخلاقی از حیث اهداف، اصول و روشها به وجود می آید

^۱ -Colin Wringle

^۲ - Paul Johnston

۱-۴-سوالات این تحقیق :

- ۱- مفهوم « فراتر رفتن از خود» از نظر غزالی چیست و پیامد های آن برای تربیت اخلاقی از حیث هدف ،اصول و روشها چیست ؟
- ۲- مفهوم « فراتر رفتن از خود» از نظر نادینگر چیست و پیامد های آن برای تربیت اخلاقی از حیث هدف ،اصول و روشها چیست ؟
- ۳- چه شباهتهایی بین مفهوم «فراتر رفتن از خود» در دیدگاه غزالی و نادینگر وجود دارد؟
- ۴- چه تفاوتهایی بین مفهوم « فراتر رفتن از خود» در دیدگاه غزالی و نادینگر وجود دارد؟
- ۵- آیا می توان این دو دیدگاه اخلاقی را به نحوی مکمل یکدیگر در نظر گرفت؟ این رابطه تکمیلی چگونه باید برقرار شود و حاصل ترکیب، نسبت به دو دیدگاه در حالت مجزا، چه دگرگونی هایی را در تربیت اخلاقی از حیث اهداف، اصول و روشها موجب می شود؟

۱-۵- ضرورت و اهمیت تحقیق

تعلیم و تربیت ضرورتی انکار ناپذیر برای هر جامعه ای است و این ضرورت روز به روز بیشتر احساس می شود. در گذشته به خاطر تکیه بر سنت و عادت و محدود بودن تعلیم و تربیت به گروهی خاص ،اندیشیدن درباره آن اهمیت چندانی نداشت و شمار کمی از فیلسوفان به آن می پرداختند و همچنین اندیشه های آنها هم اثری در دگرگونیهای جامعه نداشت و تنها در دوران معاصر است که نیاز به بررسی عمیق در حوزه تعلیم و تربیت آشکار شده و فرصتهای را فراهم کرده تا این که با مسائل و سوالاتی جدید روبرو شود و رویارویی با چنین مسائلی است که انسان را به تفکر وادار می کند تا این که مسیرهایی که ممکن است قبلا هم بارها آن مسیر را طی کرده است دوباره آن مسیر را بازنگری کند و آن چه را که برای او به صورت بدیهی در آمده بود، مورد سوال قرار بدهد و به ارزیابی مجدد آنها پردازد. (نقیب زاده، ۱۳۷۶، ص ۲۱)

بنابراین ، تربیت اخلاقی یک جنبه اساسی از تربیت است که می تواند به تحقق بعد معنوی انسان کمک کند . اما با توجه به چالشهایی که امروزه روبروی اخلاق و ارزشهای اخلاقی است و همچنین رشد بی حد و حصر تکنولوژی ، که تقریبا از نیرومندترین عاملهایی است که انسان را از لذتهای معنوی و ارزشهای اخلاقی به سمت ارزشهای

مادی کشانده است و باعث شده که مقام انسانیت، که مهمترین عاملی است که انسان را از حیوانات جدا می کند، فراموش شود و به انسان همانند یک شیء نگاه شود. (همان، ص ۱۹۵). اگر چه تکنولوژی به همان اندازه که تولید کننده است، به همان اندازه هم تخریب کننده است، لیکن تکنولوژی قادر به تعیین طرز رفتار انسانها نیست و این تنها انسان است که تعیین کننده کیفیت استفاده از تکنولوژی است و تکنولوژی و فناوری وسایلی هستند برای رسیدن به غایت و هدفی، که کیفیت آن را تربیت تعیین می کند و اگر تربیت را رو کردن آزادانه به ارزشهایی که باعث تکامل آدمی می شوند، محسوب کنیم، می بینیم که با همه پیشرفتهایی که در زمینه علم و تکنولوژی صورت گرفته، هیچ تغییری در تکامل انسانها رخ نداده است و حتی این پیشرفت باعث تنزل آنها شده است و از آنها افرادی ساخته، که از ارزشها رو گردان اند و « حرف نیچه که، انسان مدرن را کوچک می شمارد» (همان، ص ۱۹۱)، در این عصر صدق می کند. همه این چالشها به خاطر این است که بشر امروزه فقط با اتکاء بر علم و نادیده گرفتن ارزشها می خواهد به مقاصدش برسد، اما در این راه و مقصد، بعد اخلاقی و ارزشی انسان را نادیده گرفته است. (نصر، ص ۱۳۸۳، ص ۱۸۱) اگر چه علم به خودی خود بد نیست، اما عامل انسانی است که به علم جهت می دهد و جهت، بستگی به نوع تربیت دارد و تربیت به معنای واقعی هم رو کردن به ارزشهاست و با نادیده گرفتن این جنبه، انسانها تک بعدی رشد می کنند. پس بحث از تربیت اخلاقی و ارزشی لازم و ضروری است.

جامعه امروزی تحت تاثیر مدیریت ماشینی قرار گرفته است و منطق عصر ماشین، مانند قابل تعویض بودن قطعات و استاندارد بودن به زندگی انسانی تعمیم داده شده است و همان رفتاری را که با قطعات انجام می دهند، به انسانها هم تعمیم داده شده است و چنین رفتارهایی، ارزش انسانیت را تا حد اشیاء تنزل داده است.

نادینگز نظام کنونی مدارس را مخالف با فراتر رفتن از خود و غمخواری می داند. مدارس بیش از آنکه به مسایل وجودی تربیت، اهمیت بدهند، بر فرمولهای معادلات ریاضی تاکید دارند. بنابر این در شرایط کنونی به غمخواری بیش از هر زمان دیگری نیاز است. پس مدارس بدون تدارک غمخواری و استمرار آن نمی توانند به اهداف تحصیلی نایل شوند. (نادینگز، ۱۹۹۸، ص ۵۰)

نادینگز در پی آن است که غایات مدرسه ای را به سوی روابط غمخواری و رشد افراد سوق دهد. (استفن ثورتن^۱، ۲۰۰۱، صص ۱۱-۳). همه اینها نشان دهنده اهمیت از خود فراتر رفتن در مدارس است.

پس با توجه به آنچه در بالا ذکر شد، لازم است که به تربیت اخلاقی با یک دید جدید نگاه شود، چرا که در این عصر که عصر بحران ارزشها است تنها پرورش فضائل و دوری از رذائل، بدون پرسش از چیستی و علت آنها، کافی نیست. پس لازم است که با یک دید فرا اخلاق به مسائل اخلاقی نگاه کنیم. بنابراین در این تحقیق به بررسی دیدگاه نادینگز به عنوان یک نظریه پرداز جدید، که بر دیدگاه اجتماعی تاکید دارد و مقایسه آن با دیدگاه غزالی در تربیت اخلاقی می پردازیم.

۱-۶- استفاده کنندگان از نتیجه پایان نامه

پژوهشگران حوزه تعلیم و تربیت، دانشجویان رشته های علوم تربیتی، وزارت آموزش و پرورش، استادان و معلمان که به تدریس دروس اخلاق و فلسفه اخلاق مشغول هستند.

۱-۷- روش انجام پژوهش و ابزار جمع آوری اطلاعات

فلسفه اخلاق به سه روش قابل بررسی است: یکی روش توصیفی است که در این روش محقق با انجام تحقیقات انسان شناختی و روانشناختی، در صدد این است تا اولاً احکام اخلاقی رایج را در جامعه و گروه های مختلف توصیف و ثانیاً با بررسی تطبیقی، تفاوت های اخلاقی را به تصویر بکشد و تحقیقات او تجربی، توصیفی، تاریخی و علمی است. دومین روش، روش هنجاری است که در اینجا یک نظام اخلاقی را ارائه می دهد و با چه چیز خوب و درست و چه چیز بد و نادرست است، و اینکه در موقعیتهای خاص افراد چه کارهایی باید انجام دهند و چه کارهای را نباید انجام بدهند، سروکار دارد. سومین روش، روش تحلیلی یا فرا اخلاق است که در این روش محقق نه در صدد توصیف احکام اخلاقی رایج در جامعه، و نه در صدد به دست آوردن حکم اخلاقی، بلکه در پی آن است که به پرسشهای معنا شناسی، وجود شناسی، و معرفت شناسی پاسخ بدهد و این روش به سه قسمت تقسیم می شود که در قسمت معنا شناسی به بررسی معنای مفاهیم و اینکه آیا معنای یک واژه که در اخلاق به کار می رود با معنای که در غیر اخلاق به کار می رود یکی است در قسمت معرفت شناسی به توجیه و بررسی صدق و کذب احکام

^۱ - Stephen .J .Thornton